

«مکتب ایرانی صلح» به روایت نعمت‌الله فاضلی

## مسیرهای صلح به پشتوانه ایران فرهنگی

این پرسشی اساسی است که صلح را دولت ایجاد می‌کند یا ملت؟

### مطالعات صلح

حمید حبیبی

خبرنگار



### عناصر صلح‌آفرین ایران زمین

«مکتب صلح ایرانی» با هدف بازاندیشی در تاریخ ایران و تمرکز بر عناصر صلح‌آفرین در فرهنگ و آیین این سرزمین، قرار است امسال موضوع هشتمین همایش بین‌المللی انجمن علمی مطالعات صلح ایران شود. دکتر نعمت‌الله فاضلی، دبیر علمی این سمپوزیوم، در نشست خبری این همایش، به جایگاه صلح در تاریخ ایران به عنوان یک ارزش فرهنگی اشاره کرد و گفت: «از ادبیات و آیین‌ها گرفته تا رفتارهای اجتماعی، همه گویای تلاش ایرانیان برای حفظ صلح است. این مسأله نه تنها در گذشته، بلکه در دوران معاصر نیز اهمیت دارد. بویژه با توجه به جنگ‌هایی که منطقه را تحت تأثیر قرار داده، گفت‌وگو صلح ایرانی می‌تواند به عنوان بخشی از یک فلسفه جهانی مطرح شود. ایران با تاریخ چندین هزار ساله، پهنه گسترده «ایران فرهنگی» و منابع خلاقانه فرهنگی که دارد، می‌تواند نقش مهمی در ایجاد صلح در منطقه و حتی جهان ایفا کند. این گفت‌وگو باید از طریق گفت‌وگوهای فرهنگی، تاریخی و اجتماعی تقویت شود.» او پیش‌منابع ایرانی برای رسیدن به صلح آیینی، صلح زبانی، صلح دینی، صلح فرهنگی و صلح ملی را از جمله اهداف برگزاری چنین همایش بین‌المللی معرفی کرد و گفت: «اینکه برخی تصور می‌کنند ایران روی صلح را نخواهد دید، درست نیست؛ همین گفت‌وگوهایی که میان نخبگان فرهنگی،

سیاسی و اجتماعی در سطح جامعه شکل می‌گیرد، زمینه‌ای برای ایجاد صلح خواهد بود.»

### صلح، زبانی جهانی است که هر ملتی با گویش خود، به آن سخن می‌گوید

دکتر فاضلی «صلح» را زبانی جهانی معرفی کرد که همه ملت‌ها این زبان را می‌فهمند و همه دولت‌ها به این زبان مجهز هستند؛ اما هر ملتی با لحن و گویش خود به صلح می‌اندیشد و سخن می‌گوید. او در این راستا، مکتب ایرانی صلح را چنین معرفی کرد: «مکتب ایرانی صلح نه می‌خواهد مکاتب دیگر را نفی، و نه با آنها رقابت کند؛ بلکه قصد آن، گفت‌وگو با دیگر مکاتب است. مکتب ایرانی صلح با تکیه بر تاریخ چند هزار ساله ایران و گستره پهناور «ایران فرهنگی» می‌خواهد فهم خود را از صلح ارائه کند تا برای گفت‌وگو با دیگر مکاتب مبنایی بسازد.» دکتر فاضلی معتقد است «مکتب ایرانی صلح» چند معارض دارد؛ یکی اینکه گفته می‌شود آیا قرار است غیرت‌سازی و هویت‌سازی دیگری صورت گیرد و یا آن بر طبل نفی شرق و غرب بکوبیم؟ که او اینگونه پاسخ گفت: «منطق صلح چنین هویت‌سازی را ایجاد نمی‌کند. ما نیاز به گفت‌وگو داریم و قصد نداریم از صلح، ایدئولوژی برای سبیطره بر دیگری بسازیم.»

دومین معارضی که فاضلی به آن پاسخ گفت، این بود که آیا قرار است با این



یک تصور

عمومی وجود

دارد که گفته

می‌شود

«صلح را

باید دولت

ایجاد کند،

اگر حکومتی

صلح نخواهد،

از دست ملت

کاری ساخته

نیست.» دکتر

فاضلی بطور

ضمنی این

حرف را تأیید

کرد اما بر این

نکته مهم هم

تأکید کرد که

فاعلیت مردم

را هم نباید

اساساً پیوند

حکومت و

مردم است که

صلح را برای

یک جامعه

به ارمغان

می‌آورد



عکس: corbis

ترویج صلح داشته باشد. از معماری و آشنیری گرفته تا شعر و موسیقی، همه این عرصه‌ها می‌توانند ابزارهایی برای بیان و گسترش صلح باشند. اینچنین، صلح نه تنها یک مفهوم انتزاعی، بلکه یک تجربه زیسته در زندگی روزمره مردم ایران خواهد شد.»

رفتارهای ایدئولوژیک در برخی سطوح، زایدده خشونت شده است هرچند که خشونت نیز می‌تواند یک عملکرد اجتماعی باشد، اما تمرکز اصلی ما باید بر گسترش صلح در تمامی ابعاد زندگی باشد. به همین نسبت، هنر و فرهنگ ایرانی می‌تواند نقش مهمی در

دولت، این نخبگان فکری و طبقات اجتماعی است. فاضلی با چنین رویکردی، معتقد است باید صلح را در سطوح مختلف جامعه فعال کنیم؛ «هدف ما این است که اجرای صلح در جامعه ایرانی شکل بگیرد. در گذشته

### جاری شدن صلح در جامعه با «فرهنگ گفت‌وگو»



دکتر فاضلی معیار صلح را خرد مردم و مصداق صلح را خرد جمعی جامعه معرفی می‌کند و معتقد است اگر گروهی در جامعه خود را منادی حق معرفی کنند و رأی و نظر مردم و خرد جمعی را نادیده بگیرند مروج خشونت در جامعه خواهند شد. او تصریح می‌کند اگر «فرهنگ گفت‌وگو» را در جامعه نهادینه کنیم راحت‌تر می‌توانیم صلح را در زندگی روزمره مردم جاری کنیم؛ «وقتی گفت‌وگو در جامعه جدی می‌شود، خود به خود در انجام کارها تسریع می‌شود. وقتی در جامعه گفت‌وگو صورت می‌گیرد، به تبع آن، افکار صاحبان قدرت هم تغییر می‌کند؛ چون می‌دانند که حیات اجتماعی قدرتمند است و خواه‌ناخواه باید همسو با خواست مردم و خرد جمعی حرکت کنند.»



«تدبیر ایجاد شادی» یک صنعت پولساز عصر مدرن به دلیل چالش‌های فراوانی که بر انسان آوار کرده است، آدم‌ها را ترغیب می‌کند تا بی‌وقفه به دنبال «شادی» بگردند؛ آنقدر که «تدبیر ایجاد شادی» در عصر ارتباطات به یک صنعت پول‌ساز بدل شده است. این صنعت طرفداران بسیاری دارد که حاضرند هزینه‌های گزافی کنند تا شاید از درد و رنج زندگی‌های مدرن خود بکاهند. وقتی موضوعی دغدغه انسان شد پای فلاسفه هم برای فهم «چیستی» و «چراایی» آن، به بحث باز می‌شود. این‌گونه شد که فیلسوفان بسیاری در باب شادی و راز و رمز شادگامی فلسفه‌ورزی کردند و کتاب‌های فراوانی هم برایش نوشتند که هر یک سعی می‌کردند از نظریه متفاوتی شادی را رمزگشایی کنند تا شاید بتوانند فرمولی تجویز کنند تا انسان را از رنج و درد زندگی برهانند.

### «شادی» زیر‌ذره بین فیلسوفان

اگر سقراط را بنیانگذار «فلسفه شادگامی» بنامیم، به بیراهه نرفته‌ایم؛ زمانی که او در موضوع فلسفه چرخشی ایجاد کرد و «فلسفه انسانی» را جایگزین «فلسفه طبیعی» کرد. در واقع «شادی انسان» را هم زیر ذره بین مذاقه‌های فلسفی برد. این‌گونه بود که افلاطون شادی را رهایی از این عالم، ارسطو در گرو فضیلت‌ها و خردورزی و عدالت، اپیکوریان به معنای نداشتن درد و رنج و عده دیگری از فیلسوفان هم شادی را ابتهاج و سرور تعبیر کردند.

جان لاک شادی را به «لذات زندگی» گره زد و برتراند راسل آن را «رغبت به زندگی» معنا کرد. سورن کی‌یرکگارد گفت، زمانی شادگامی را خست خواهیم کرد که از حل مسائل زندگی دست برداریم و حاضر شویم مشکلات را تجربه کنیم. و حتی گروهی از فلاسفه اخلاقی‌گرا همچون کانت برای شادی و شادگامی در زندگی ارزش و اعتبار ویژه‌ای قائل نشدند چون اخلاقی را اولویت قرار دادند و شادی را در مراتب پایین‌تری نشانند.

### ورود شادی به علم سیاست

لورین ال بسرد در این کتاب با اینکه سعی کرده است در بحث شادی نگاه‌های اخلاقی را لحاظ کند اما کتاب او همه بحث‌های اخلاقی را در بر نمی‌گیرد. او بر این باور است که نگرش ما تعیین‌کننده میزان بهره‌مندی ما از شادی و شادگامی در زندگی است و آن را زمینه و یافتا شادی می‌نامد. او معتقد است فیلسوفان غربی اغلب شادی را به «رشد فرد در جهان مادی» و فلاسفه شرقی آن را به «رهایی از فردیت» معطوف می‌کنند. و این‌گونه بوده که شادی هم تفسیر «شرقی» و هم «غربی» پیدا کرده است.

فیلسوفانی که مفهوم شادی را به سمت لذت می‌برند، از لحاظ سیاسی اغلب نگاهی لیبرالی دارند و در منطق آنان، باید و نباید جایگاهی



شادی از آن

مفاهیمی

است که اگر

بخواهیم

زیر‌ذره بین

فلسفه

بگذاریم،

مجبوریم

مفاهیمی

چون لذت،

کامیابی،

رضایت

از زندگی،

به‌زیستی،

سعادت و

معناداری

زندگی را هم

به بررسی

و بگذاریم و

رابطه آنها

را با شادی

و شادگامی

بسنجیم.

کاری که

نویسنده سعی

کرده در این

کتاب آن را

به سرانجام

معناداری

برساند



«فلسفه شادگامی» به روایت لورین ال. بسرد؛ استاد فلسفه کالج میدلبری

## بازار پول ساز و پر مشتری «صنعت شادی»

### فلسفه

علیرضا سبحانی

خبرنگار

آیا ما با ظرفیتی از شادی متولد می‌شویم و نمی‌توانیم شادتر از آنچه ظرفیت پایه‌ای ماست، زندگی کنیم؟ یا باید بچنگیم تا سهم بیشتری از شادی به چنگ آوریم؟ آیا می‌توان شادی را اندازه‌گیری کرد تا برای کم و زیاد شدنش طرح و برنامه ریخت؟ آیا می‌توان طرفدار زیست اخلاقی بود و در عین حال حداکثر شادی را هم سهم خود کرد؟ لورین ال بسرد، در کتاب «فلسفه شادگامی» به این دست از پرسش‌ها پاسخ می‌دهد. او در حالی که «شادی» را مورد مذاقه فلسفی قرار می‌دهد، پای دیگر حوزه‌های مطالعاتی را به این بحث باز می‌کند و کتاب خود را «مطالعات میان‌رشته‌ای» می‌خواند. او استاد فلسفه کالج میدلبری و نویسنده کتاب «اخلاق سعادت‌مندان: فلسفه و روان‌شناسی خوب زیستن» و از دبیران «راه‌نمای اخلاق فضیلت‌محور» رتلج است. کتاب «فلسفه شادگامی» او با ترجمه پروانه یوسفی و به همت انتشارات مؤسسه فرهنگی کسا روانه بازار نشر شده است.

### «تدبیر ایجاد شادی» چرا دغدغه فیلسوفان شد؟

عصر مدرن به دلیل چالش‌های فراوانی که بر انسان آوار کرده است، آدم‌ها را ترغیب می‌کند تا بی‌وقفه به دنبال «شادی» بگردند؛ آنقدر که «تدبیر ایجاد شادی» در عصر ارتباطات به یک صنعت پول‌ساز بدل شده است. این صنعت طرفداران بسیاری دارد که حاضرند هزینه‌های گزافی کنند تا شاید از درد و رنج زندگی‌های مدرن خود بکاهند. وقتی موضوعی دغدغه انسان شد، پای فلاسفه هم برای فهم چیستی و چراایی آن، به بحث باز می‌شود. این‌گونه شد که فیلسوفان بسیاری در باب شادی و راز و رمز شادگامی فلسفه‌ورزی کردند.



بیش